

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۱۴M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

بررسی قاعده هشدار (تحدیر) در مسئولیت مدنی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵)

مهدی ابراهیم زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

چکیده

قاعده‌ی تحدیر یا هشدار یکی از قواعد بسیار مهم و پر کاربرد در قلمرو فقه و حقوق می‌باشد که به موجب این قاعده هر کس قبل از اقدام به هر عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود و در صورت بی‌توجهی هشدار گیرنده و ورود خسارت به وی، هشدار دهنده معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. مقاله حاضر برگرفته از کتب و مقالات محققین پیشین بوده و هدف اصلی محقق در این مقاله مروری است بر قاعده‌ی هشدار (تحدیر) در فقه و نقش آن در رفع مسئولیت مدنی، برای اشخاص اهل پژوهش می‌باشد. به موجب قاعده هشدار هر کس قبل از اقدام به عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد (در صورت وجود شرایط لازم) معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. مبنای قاعده‌ی تحدیر در فقه روایت معروفی است که از امام صادق (ع) نقل گردیده و در آن عبارت معروف حضرت علی (ع) «قَدْ أَعَذَرَ مَنْ حَذَّرَ» آمده است که از نظر محتوا و دلالت و همچنین در جهت سند و مدرک نیز قوی و خالی از ضعف است.

۲۱۱



بخش اول: کلیات

فقهای امامیه در خلال مباحث مربوط به مسئولیت افراد نسبت به اعمال و افعالشان و به عنوان یکی از فروعیات باب دیات (در مسئله‌ی ضمان رامی) به بیان قاعده‌ای تحت عنوان «قد أعدَرَ مَنْ حَذَرَ» پرداخته‌اند که مفاد قاعده‌ی تحذیر را تشکیل می‌دهد. این قاعده با کارکرد بسیار حساس و پیشگیرانه‌ی آن قلمروی بسیار گسترده و مصادیقی غیرقابل احصا دارد. به طوری که در هر موقعیت، زمان و مکانی که زمینه یا احتمال خطر و تهدید برای سلامتی، جان یا مال انسان در آن وجود داشته باشد، کاربرد دارد. بر این اساس شخص هشداردهنده می‌تواند شخص حقیقی باشد یا حقوقی مانند دولت، شرکت‌ها، کارخانجات، پزشک، کارفرمای یک واحد تولیدی، فروشنده یا سازنده‌ی کالاهای خطرناک، معدنچی، مسئول آزمایشگاه شیمی، شهرداری، جنگل‌بانی، اداره ثبت و ... (طالب صالحانی، ۱۳۹۷، ص ۴). بنابراین هدف و ضرورت انجام این تحقیق تبیین قلمرو مسئولیت هشداردهنده در صورت کتمان خطرات احتمال و ارائه روش‌های صحیح هشدار دادن به سایرین، خود معاف از مسئولیت مدنی و کیفری می‌شوند.

بند اول: مفهوم قاعده تحذیر

تحذیر در لغت به معنای اخطار، هشیار نمودن، خبر کردن و متوجه ساختن است، یعنی فردی با خبر دادن و اخطار به دیگران، آنان را متوجه وضعیت حادثه‌ای کند تا خود را از معرض آن رها ساخته و دچار زیان و خسارت نشوند، قاعده «تحذیر» برگرفته از حدیث «قد أعدَرَ مَنْ حَذَرَ» است این روایت منسوب به امام صادق (ع) است که ایشان آن را از حضرت علی (ع) نقل کرده‌اند. مفاد قاعده تحذیر این است هر کس قبل از اقدام به هرگونه عملیات خطرناک و خطرناک‌ساز، به سایرین هشدار و آگاهی لازم را به منظور گریز از خطر و حفظ جان و مال ایشان بدهد. در صورت بی‌توجهی و بی‌مبالاتی مخاطب به هشدار مزبور و وقوع حادثه یا خسارت، معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. بنابراین اگر مخاطب به هشدارهای صادر شده توجه‌ای نکند، هشداردهنده مسئولیتی در قبال خسارت‌های وارده نخواهد داشت. همچنین فقهای امامیه نیز با استناد به روایت فوق معتقد به رفع مسئولیت هشداردهنده هستند که به نظر چند تن



آنها به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم. در عبارت مرحوم ابن‌ادریس آمده است: کمانداری که هنگام تیراندازی هشدار می‌دهد، نه ضامن دیه است و نه قصاص می‌شود، دلیل ما روایت «قد اَعْدَرَ مَنْ حَدَّرَ» است که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است. مرحوم محقق حلی این معنا را به طور آشکار مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌نویسد: «... ولد ثبت انه قال: حذار! لم یضمن؛ اگر ثابت شود که فردی هشدار داده است، او ضامن نخواهد بود». همچنین مشهور فقهای امامیه تحذیرکننده را مسئول خسارت وارده بر مخاطب حذار نمی‌دانند، من جمله شیخ طوسی، موسوی بجنوردی، مرحوم شیخ مفید، شهید ثانی و ... لذا می‌توان تحذیر را از عوامل رافع مسئولیت دانست: (صالحی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲).

بخش دوم: مدارک و مستندات قاعده

الف) روایت: این قاعده مبتنی بر روایتی از امام صادق (ع) می‌باشد که در کتاب‌های کافی، تهذیب، من لایحضره الفقیه و علل الشرایع نقل شده است:

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن اسماعیل بن بزیر عن محمد بن الفضیل عن ابي الصباح الكناني - عن ابي عبد الله (ع) قال: كان صبيان في زمن علي (ع) يلعبون باخطارهم، فرمى أحدهم (الا خرم) بخطرته فذق باعيه صاحبه فرجع ذالك الى اميرالمؤمنين (ع) فأقام الرامي البينه در بأنه قال: حذار حذار قدراً عنه القصاص، ثم قال: قد اَعْدَرَ مَنْ حَدَّرَ. از امام صادق (ع) نقل شده که در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) کودکان بازی شرط‌بندی می‌کردند؛ یکی از آنان آنچه را که با آن شرط‌بندی کرده بود، انداخت و به دندان یکی از افرادی که وارد محل بازی شده بود، اصابت کرد و شکست، شخص مصدوم شکایت کرد و مرافعه نزد امیرالمؤمنین (ع) برد. ضارب اقامه‌ی بینه کرد که هشدار داده بود. حضرت فرمود که قصاص ندارد و سپس افزود هر کس (موقع انجام کاری) این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر فرد در مقام انجام کاری، سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنان را دچار خسارت مادی یا جانی نماید، آگاه کند و به نحو مقتضی هشدار دهد و دریافت‌کننده‌ی هشدار با وصف اطلاع، خود را در معرض خطر قرار دهد؛ هشداردهنده معذور خواهد بود و تحت شرایطی از مسئولیت مدنی و کیفری مبری می‌باشد.



ب) بنای عقلا: مدرکات عقل عملی که همانا آراء و نظریات محموده می‌باشد؛ به عدم مسئولیت هشداردهنده‌ای حکم می‌دهد که قبلاً به نحو مقتضی مخاطبان خود را از وجود خطر آگاه ساخته است و مشارع مقدس که خود رئیس عقلا می‌باشد نمی‌تواند، از یک بنای مسلم عقلایی تخطی کند. روایت مذکور نیز ارشاد به حکم عقلا دارد. به تعبیر دیگر، هر آنچه عقل عملی حکم کند. شارع مقدس نیز بدان حکم می‌کند و قاعده‌ی ملازمه جاری می‌گردد و این معنی بر اساس قانون ملیت علم به علیت مستلزم علم به معلول است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵، ۱۲۶ و محقق داماد، ص ۲۳۸).

بخش سوم: شرایط قاعده تحذیر

الف) یکی از شرایط اساسی برای استفاده قاعده و احراز عدم مسئولیت هشداردهنده، ضرورت و الزام اعلام وجود خطر به نحو صریح و متعارف به مخاطبان است؛ بدین معنا که هشداردهنده می‌باید افراد را از وجود خطری که ممکن است مال یا جان آنان را در معرض تلف یا نقص قرار دهد، آگاه سازد تا از نزدیک شدن به خطر دوری نمایند.

ب) هشدار می‌باید قبل از وقوع حادثه داده شود و چنانچه بعد از وقوع حادثه مراتب اعلام گردد. به مثابه‌ی عدم وجود هشدار خواهد بود.

ج) وسایل هشداردهنده می‌باید متناسب با نوع خطر و محیط باشد؛ چنان که در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۶ قانون به کارگیری سلاح آمده است:

مأموران مذکور در صورتی می‌توانند به وسایط نقلیه تیراندازی نمایند که با صدای رسا و بلند به راننده‌ی وسیله‌ی نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد (علیشاهی ۱۳۹۷ صص ۱۹۲ تا ۱۹۳).

د) امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده؛ برای رفع مسئولیت، بسیاری از فقها امکان گریز از خطر برای هشدارگیرنده را به همراه شنیدن هشدار توسط وی یا مؤثر بودن هشدار، ضروری می‌دانند و با آوردن عباراتی مانند، «کان متمکناً من العدول»، «کان متکناً من حفظ نفسه فلم بفعل»، «لم يعدل مع ایکنانه»، «کان متمکناً من العدول»، «اشترطوا اسماع الحذار للمجنی علیه فی

وقت بتمکن منها» و نظایر آن به ضرورت «امکان گریز از خطر توسط هشدارگیرنده» تأکید کرده‌اند (صفاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۷).

بخش چهارم: شرایط لازم برای رفع مسئولیت

اول باید ببینیم که تحذیر باید متضمن چه شرایطی باشد تا رفع ضمان گردد، شهید دوم در مسالک الاحکام در این باره چنین فرموده است: «انما ینفی الضمان علی الرامی مع التحذیر حیث یسمع المرمی و یمكنه الحذر، فلو لم یسمع، او لم یمكنه، فالدیة علی عاقله الرامی لانه خطاء محض». یعنی ضمان وقتی بر عهده رامی قرار نمی‌گیرد که هشدار بدهد به گونه‌ای که مرمی آن را بشنود و قدرت بر فرار از حادثه داشته باشد پس اگر مرمی صدای رامی را نشنید و یا امکان فرار و دور شدن از صحنه خطر را نداشت دیه بر عاقله رامی است. همان گونه که از متن بیان شهید ثانی بر می‌آید عناصر لازم برای رفع مسئولیت به قرار زیر است:

اول هشدار مؤثر: رامی باید به نحو مؤثری هشدار و اعلام خطر را به سمع کسانی که در معرض خطر هستند و با هر وسیله ممکن برساند و آشکار است که این اعلام خطر با توجه به مکان و موضوع خطر آفرین متفاوت خواهد بود و لکن این هشدار باید به گونه‌ای باشد که در صورت لزوم هشداردهنده بتواند ثابت کند که در حد متعارف هشدار لازم را داده است و برای محکمه هم با توجه به عرف متعارف در خصوص موضوع خاصی که نسبت به آن مرافعه شده است قابل قبول باشد که اعلام خطر انجام گرفته است.

دوم وصول هشدار به خسارت دیده: باید هشدار، هشدار دهند را خسارت دیده بشنود یعنی چنانچه مرمی احياناً کر و ناشنوا باشد یا صداهای دیگر چنان در محیط پیچیده باشد که بر صدای هشداردهنده غالب بوده و مانع رسیدن هشدار وی به مخاطبین باشد یا صدای هشداردهنده نارسا و مبهم باشد به گونه‌ای که نتواند هشدار خود را صریح و آشکار به دیگران برساند و به همین دلیل هشدار وی به معنی علیه نرسیده باشد و موارد دیگری از این قبیل که مانع رسیدن هشدار، هشداردهنده به مخاطب خود باشد ضمان رامی را زایل نکرده و مسئولیت به عهده او باقی خواهد ماند.



سوم امکان فرار برای خسارت دیده: دو شرط قبل که به نحو مطلوب باید محقق شده باشد یعنی تحذیر به نحو مؤثری انجام شده و به مخاطب نیز رسیده باشد، بایستی امکان دور شدن از صحنه خطر برای مخاطب وجود داشته باشد که این خود نکات حائز توجهی به شرح ذیل را دارد:

(الف) مخاطب زمان کافی جهت گریز از صحنه خطر را داشته باشد.

(ب) توانایی و قدرت جسمی لازم را برای دور شدن از صحنه داشته باشد.

(ج) شرایط محیط و اوضاع و احوال صحنه اجازه دور شدن را به وی بدهند (محقق داماد، بی تا، صص ۱۶ تا ۱۷).

بخش پنجم: قاعده تحذیر در قوانین مدون

قاعده‌ی تحذیر در قوانین به صورت‌های مختلف آمده است که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

برای حل مشکلات نظام حقوقی یا باید به فقه و تجربه‌های خود رو آوریم و از آنها الهام بگیریم یا قاعده‌ای را ساخته و پرداخته از دیگران اقتباس کنیم، یقیناً قواعدی که ریشه‌ی مذهبی و اخلاقی دارد، جامعه در اجرای آن اهتمام می‌ورزد و قواعدی که ریشه در فقه ندارد مکرر در جامعه نقض می‌شود. براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر داشته:

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیاید و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمالی یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. بنابراین، اگر در قوانین مدون راه حل و فصل خصومت وجود نداشته باشد، می‌باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر رجوع کرد. ارائه‌ی قواعد فقهی دادرس را نیز در این مهم هدایت و یاری می‌نماید. «قاعده‌ی تحذیر یا هشدار» از جمله این قواعد می‌باشد (موسوی بجنوردی، ص ۱۲۴).



۱. در ماده‌ی ۳۴۱ ق.م.ا در باب تسبیب در جنایت، این قاعده به این شرح پیش‌بینی شده است: «هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد، در صورتی که عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید. ضامن دیه و خسارت نخواهد بود».

۲. ماده‌ی ۴ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن می‌گوید: «ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایط نقلیه غیرمجاز و عبور دادن دام در شاهراه‌ها و همچنین توقف وسایط نقلیه در خطوط عبور ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور حادثه‌ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده‌ی مجاز که وسیله‌ی نقلیه او مجاز به حرکت در شاهراه باشد، نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت؛ ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه، وسیله‌ی نقلیه را در شانه‌ی سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. ماده‌ی ۹ قانون مزبور نیز می‌گوید: «عبور از روی خطوط راه‌آهن و ورود در محوطه‌ی ایستگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات فنی راه‌آهن، به استثنای سکوهای مسافری و امکانه و گذرگاه‌ها و معابر مجاز واقع در ایستگاه‌ها و در طول خطوط ممنوع است و در صورت تخلف و بروز حادثه، راه‌آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود. ماده‌ی ۱۰ همین قانون مقرر می‌کند: «عبور هرگونه وسیله‌ی نقلیه، اعم از موتوری و غیرموتوری از یک طرف خط آهن به طرف دیگر در غیرمحل‌های مجاز ممنوع است و متخلف از این امر، مسئول هرگونه پیش‌آمد و خسارت وارده می‌باشد».

۳. ماده‌ی ۸ قانون نحوه‌ی رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مقرر می‌کند: «در صورتی که عابر پیاده در عبور سواره‌رو، معابر و خیابان‌ها، جز از نقاطی که خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز)، از محل دیگری (محل‌های غیرمجاز) عبور نماید، متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه‌ی مقرر در آیین‌نامه می‌باشد».

تبصره‌ی ماده‌ی فوق چنین می‌گوید: «در شهر تهران در خیابان‌هایی که به وسایل ایمنی عبور عابر پیاده مجهر شده باشند و مقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شده عابر پیاده مکلف است فقط از محل‌های مخصوص عابر پیاده عبور کند و در غیر این صورت



اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره‌رو واقع شود، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد (در صورتی که راننده هیچ‌گونه تخلفی نداشته باشد) (محقق داماد، صص ۲۴۴ تا ۲۴۶).

بخش ششم: مسائل مرتبط به قاعده تحذیر

در جنب این قاعده مسائلی مطرح می‌شود که برخی از فقها از جمله صاحب جواهر متعرض آن شده‌اند:

مسئله اول- اگر شخص هنگام عبور از میدان تیراندازی همراه خود بچه غیرممیزی را ببرد و آن بچه مورد اصابت قرار گیرد، رami ضامن نیست، بلکه کسی که بچه را به میدان آورده ضامن است؛ چون او بچه را در معرض تلف قرار داده است؛ به طوری که می‌توان گفت بچه بالمباشره مورد تلف قرار گرفته است؛ درست مانند کسی که شخص دیگری را در چاه می‌اندازد. مرحوم محقق در اینکه ضمان به عهده‌ی کسی که بچه را به میدان تیر آورده است باشد، تردید دارد. این تردید موافق قواعد است و بر همین اساس فخرالمحققین فرموده است که در این مورد ضمان به عهده‌ی عاقله است. صاحب جواهر این فرع را از مصادیق مباشرت و تسبیب در قتل دانسته، مباشر را مقدم در مسئولیت می‌داند. بنابراین، ایشان آورنده‌ی بچه را به میدان تیر، مسئول و ضامن می‌داند.

مسئله‌ی دوم- مطلبی است که از محکی تحریر علامه نقل شده است به این نحو که اگر انسان بالغی، انسان بالغ دیگر را در معرض تیر قرار بدهد، حکمش مانند فرع قبل است.

مسئله‌ی سوم- اگر بچه غیرممیزی در میدان تیر آمد و مورد هدف قرار گرفته، ضمان به عهده‌ی رami است چه «حذار» گفته باشد و چه نگفته باشد؛ زیرا به تعبیر فاضل هندی در کشف‌الثام، بچه غیرممیز حذار را نمی‌فهمد تا اگر حذار و هشدار داده شد، ضمان از عهده‌ی رami برداشته شود (محقق داماد، ۱۳۹۳، صص ۲۴۶ تا ۲۴۷).

نتیجه‌گیری

در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران قاعده هشدار (تحذیر) دارای اعتبار و حجیت لازم جهت رفع مسئولیت از فرد تحذیرکننده می‌باشد و بنابر قاعده هشدار (تحذیر) هرگونه هشدار که با



رعایت شرایط لازم صادر شده باشد می‌تواند رافع مسئولیت تحذیرکننده باشد و از طرفی اگر هشدار لازم از جانب تحذیرکننده صادر نگردد او مسئول هرگونه خسارتی است که به دیگران وارد می‌شود هست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مأخذ

- محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی ۲، جلد ۲، چاپ چهاردهم، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی
- موسوی بجنوردی، آیت‌الله سیدمحمد، قواعد فقهیه، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، سال ۱۳۹۴.
- صالحی، سیدمهدی؛ علی عسگری، ابراهیم؛ جعفرزاده، سیامک، بررسی مسئولیت ناشی از اخفای مضرات دارو و نقش قاعده تحذیر، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۱۱، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۶.
- محقق داماد، سیدمصطفی، قاعده تحذیر، نقش هشدار در رفع مسئولیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی، بی‌تا.
- علیشاهی قلعه‌چوقی، ابوالفضل؛ دانش نهاد، محمد؛ جایگاه قاعده‌ی تحذیر در مسئولیت مدنی اشخاص و دولت، آموزه‌های فقه مدنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۷، بهار- تابستان ۱۳۹۷.
- صفاری، علی؛ صابری، راضیه؛ هشداررسانی؛ ضابطه‌ی اصلی رفع مسئولیت در پیشگیری وضعی خطرناک از جرم؛ پژوهش حقوق کیفری، سال ۵، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۶.
- طالش صالحانی، مریم، بررسی قاعده هشدار در مسئولیت مدنی، پایان‌نامه دانشگاه آزاد

